

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ

گرایش: اسلام

عنوان

«نقش امرای آذربایجان در روابط ایران و عثمانی (اواخر صفویه تا

اوایل قاجاریه)»

استاد راهنما:

دکتر محمد حسن رازنهان

استاد مشاور:

خانم دکتر پرویندخت اوحدی

دانشجو:

بهنام بیگ محمدی

شهریور ماه ۱۳۹۰

تقدیم به :

پدر و مادر و همسرم که همواره
در طول این رساله از حمایت های
بی دریغ ایشان بهره مند
بوده ام و تقدیم به همه ی آنان که
در راه اعتلای علم و دانش می
کوشند.

تقدیر و تشکر:

از زحمات اساتید محترم گروه تاریخ
مخصوصاً آقای دکتر محمد حسن
رازنهان استاد راهنما و خانم دکتر
پرویندخت اوحدی استاد مشاور و
کارکنان کتابخانه های دانشگاه
تربیت معلم تهران و تبریز که
همواره زحمت بنده را تحمل می
کردند، نهایت تقدیر و تشکر را دارم.

چکیده:

امرای آذربایجان به عنوان بیگلربیگان ولایات خود که از طرف دولت مرکزی انتخاب می شدند در حوزه ی حاکمیت شان استقلال داخلی داشتند، ولی بطور کلی در دوره ی صفویه در اطاعت فرامین پادشاهان ایران بودند. هرگونه ارتباطی هم که با عثمانیها داشتند، در جهت موازی و موافق سیاست ایران بود. اواخر صفویه هم این روال جاری بود به جز شیروان و داغستان که بصورت ظاهری تابع ایران بودند، ولی پنهانی با عثمانیهای هم کیش خود ارتباط داشتند. این بیگلر بیگان در مناطق خود یک نوع حکومت موروثی محلی ایجاد کرده بودند، مانند: خاندان دنبلی(خوی)، جوانشیروزیاد اوغلی ها(قرباغ) و سلسله ی باقراتی در گرجستان و ...

هنگام هجوم عثمانیان به ایران که با سقوط اصفهان توسط افغانها مصادف بود اهالی، خوانین و امرای منطقه سعی در دفاع از مناطق و سرزمین خود داشتند ولی با بی کفایتی قدرت مرکزی ایران این تلاشها فایده ای نبخشید. در دوره افشاریه نیز سعی داشتند با کمک نادر عثمانیها را از مناطق و ولایات خود بیرون کنند. اما در اواخر عمر افشاریه اهالی و امرا دست به شورش زدند، در این بین عثمانیها نیز سعی داشتند اوضاع را متشنج کرده به نفع خود بهره برداری کنند. در دوره زندیه هم که با وجود آشوب و تفرقه، خان نشینی در سراسر آذربایجان بوجود آمد ایشان در حفظ استقلال خود و قدرت گیری تلاش نموده بدین خاطر به قدرتهای خارجی مانند روس و عثمانی تکیه می کردند این قدرتها نیز به خاطر منافع سیاسی از ایشان بهره برداری های لازم را می نمودند.

کلید واژه: امرای آذربایجان، قفقاز، صفویان، افشاریه، زندیه، عثمانی، دنبلیها، جوانشیرها

کلیات

طرح مسئله

در اواخر صفویه که ایران با ضعف طبقه ی حاکمه و بی کفایتی درباریان روبه رو بود از جمله در زمان سلطنت آخرین پادشاه صفوی شاه سلطان حسین که قدرت در دست درباریان فاسد و بی کفایت قرار داشت در همه نقاط کشور بی سرو سامانی و شورش بیداد می کرد و بالاخره افغانها به رهبری محمود افغان توانستند اصفهان را به اشغال خود در آورند. در این اوضاع هم که روابط ایران با عثمانی بیشتر در حالت جنگ بود، آذربایجان - ارمنستان - داغستان و قفقاز به تصرف عثمانی و قسمت هایی از شمال کشور نیز به تصرف حکومت روسیه ی تزاری در آمد با وجود این امرای محلی آذربایجان غیر از شیروان و داغستان که به خاطر هم کیشی با عثمانی از آنها اظهار تابعیت می کردند، بقیه سعی نمودند که با عثمانیها اولاً بدلیل اینکه سرزمین ایشان را به تصرف در آورده بودند. ثانیاً به خاطر اینکه در آن زمان با وساطت سفیر فرانسه در استانبول بین عثمانی و روسیه معاهده ای جهت تقسیم مناطقی از ایران بسته شده بود، چون اکثر این مناطق هم ترک زبان و مسلمان بودند از این دلخور بودند که چرا عثمانی با یک کشور مسیحی در تقسیم ایران شرکت کرده، به مبارزه پرداختند. هنگام به ظهور رسیدن نادر در عرصه ی سیاست نیز از ایدئولوژی، حفظ مناطق خود در برابر بیگانگان پیروی می کردند ولی دیده می شود نادر در اواخر حکومتش در این مناطق ظلم و ستم فراوانی انجام می داد، مردم در گوشه و کنار دست به شورش می زنند در این بین هم دست به دامن عثمانی می شوند. بالاخره با مرگ نادر در این مناطق حکومت های خان نشینی بوجود آمد و این روال تا زمان حضور قاجارها به عنوان پادشاهان ایران باقی بود. این نوع حکومت ها چون می خواستند از استقلال داخلی برخوردار، و هم از خطر منقرض شدن در امان باشند سعی می نمودند، از حضور عثمانیان و کمک ایشان بهره مند باشند؛ عثمانیها نیز به دلایل سیاسی تا آنجا که به منافع ایشان ضرری نمی رساند، سعی داشتند در این مناطق دخالتهایی داشته باشند و از

این خان نشینان در برابر قدرت مرکزی ایران و روسیه دفاع کنند و در جهت سیاست های توسعه طلبانه و کسب وجهه ی سیاسی به عنوان خلیفه ی مسلمانان جهان بهره مند می شدند.

سوالات تحقیق

الف) سوال اصلی

۱. امرای محلی آذربایجان بعنوان نمایندگان حکومت ایران چه نقشی در روابط ایران و

عثمانی از اواخر صفویه تا اوایل قاجاریه ایفا می کردند؟

ب) سوالات فرعی:

۱. حاکمان آذربایجان چه تاثیری در روابط ایران و عثمانی داشتند؟

۲. طلایه دار بودن شیعه و سنی ایران و عثمانی باعث به وجود آمدن چه نوع روابطی بین

این دو کشور می شد؟

۳. نقش و عملکرد عثمانیها نسبت به آذربایجان و امرای آن چگونه بود؟

۴. دیدگاه قدرت مرکزی ایران نسبت به آذربایجان و امرای آن چگونه بود؟

فرضیه ی اصلی:

امرای آذربایجان که از طرف قدرت مرکزی ایران انتخاب می شدند در بیشتر مواقع چون نماینده ی ایران بودند از ایشان تابعیت می کردند. ولی در بعضی از اوقات به دلیل ضعف قدرت مرکزی، فساد طبقه ی حاکمه و عوامل دیگر رفتارهای استقلال طلبانه و تمردی از خود نشان می دادند. در این بین امپراطوری عثمانی هم که بیشتر اوقات با ایران در حالت رقابت و دشمنی به سر می برد از این جریانها بهره برداریهای سیاسی کرده سعی می نمود که با دخالتهایش در این مناطق و نیز دخالت دادن امرای این مناطق، امپراطوری عثمانی را در امور ایران، چالش ها را به نفع خود چه از لحاظ ارضی، دینی و دیگر مسائل به پایان برساند.

فرضیات فرعی

۱. حاکمان آذربایجان هنگامی که قدرت مرکزی قوی بر سرکار می آمد از ایران اطاعت می کردند ولی در نقطه ی مقابل این اوضاع سعی داشتند عثمانیها را به خاطر حفظ استقلال خود از دولت مرکزی و دیگر خوانین منطقه در امور خود دخالت دهند.

۲. ادعای رهبری تشیع از جانب ایران و تسنن از جانب عثمانی در دوره صفویه باعث رقابت شدیدی بین این دو کشور می گردید و این گونه رفتارها به گونه ای دیگر در دوره های افشار و زندیه باقی مانده بود.

۳. عثمانیها به دلیل حس توسعه طلبی ارضی و رقابت با روسیه به خاطر مناطق آذربایجان سعی می کردند از راه جنگ یا حرکات دیپلماتیک و راههای دیگر حاکمان این مناطق را به سوی خود بکشانند و زمینه را برای مقاصد خود مهیا کنند.

۴. قدرت مرکزی ایران به لحاظ اهمیت اقتصادی، تجاری، کشاورزی و سرزمینی از یک طرف و نیز به خاطر همسایه بودن امرای آذربایجان با عثمانی اهمیت ویژه ای برای این سرزمین قائل بودند و سعی می نمودند افراد لایق را برای بیگلر بیگی و سپهسالاری مناطق مختلف آذربایجان برگزینند و بدین خاطر سعی در حفظ این مناطق از هجوم عثمانیها داشتند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی نگارنده پاسخ به سوال اصلی است که محرک وی برای جستجوگری و پژوهش در این باب بوده است و در قالب این سوال خواسته که بخشی از روابط ایران و عثمانی را از منظر آذربایجان و امرای آن روشن سازد تا گامی در جهت پویایی معارف بشری برداشته شود.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. یعنی نگارنده می کوشد ابتدا موضوع مورد بحث را در جهات مختلف از منابع دست اول و

تحقیقی معتبر توصیف و تشریح کند، سپس به بیان علت ها و تفسیر و تبیین آنها از جهات مختلف بپردازد. بدیهی است که روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش عمدتاً کتابخانه ای و تا حدودی اسنادی است.

سوابق پژوهشی (پیشینه ی تحقیق)

درباره سوابق پژوهشی این موضوع باید گفت که بصورت جسته و گریخته در پیرامون آن تحقیقاتی صورت گرفته است مانند قفقاز و سیاست های امپراطوری عثمانی نوشته ی جمال گوگچه ترجمه ی وهاب ولی از انتشارات وزارت امور خارجه، تاریخ قراباغ- میرزا جمال جوانشیر یا پایان نامه هایی درباره اوضاع آذربایجان از دوره های مختلف تاریخی و چند مورد کتاب تحقیقی دیگر. ولی اولاً هرکدام از آنها یکی از مناطق آذربایجان را بحث کرده اند ثانیاً سوال های اصلی و فرعی آنها در مورد موضوعات دیگر این مناطق بوده است، نگارنده هم تا آنجا که در پایگاههای اینترنتی و مرکز پایان نامه های وزارت علوم جستجو کرده، بصورت کاملاً مشخص کار تحقیقی در این مورد صورت نگرفته است و این موضوع نوع روابط امرای آذربایجان و نقش آنها در روابط ایران و عثمانی در یک برهه ی خاص زمانی را شامل می شود که با توجه به سوالات اصلی و فرعی و فرضیات در هیچ یک از این تحقیقات به صورت مشخص بحث نشده است.

بررسی و نقد منابع و تحقیقات جدید

در این قسمت منابع از منظر تبیین جایگاه و نقش امرای آذربایجان در روابط دو قلمرو ایران و عثمانی طی ادوار حاکمیت افشاریان و زندیان و پاگیری قاجاریان مورد نقد و بررسی قرار می گیرد و برجستگیها و اشتراکات و تفاوت های آنها در دو دسته منابع دست اول و منابع تحقیقی آورده می شود.

الف- منابع دست اول:

۱-عالم آرای نادری- این کتاب در سه جلد توسط محمد کاظم، وزیر مرو، در عصر نادرشاه و اندکی بعد از آن نوشته شده است که توسط محمد امین ریاحی به تصحیح درآمده است. به نوشته ی خودش که زندگیش را در کتاب عالم آرا نوشته از قزلباشهای مرو می باشد و پدرانیش از قاجارهای نواحی ولایت تبریز بوده که توسط شاه عباس به مرو کوچانده شده اند، بدین خاطر قاجارها و اعمالشان را در کتابش می ستاید. وی در سال ۱۱۳۳ هـ ق به احتمال قوی در مرو متولد شده و در سال ۱۱۴۳ هـ ق در مشهد در مدرسه ی (دو در) به تحصیل مشغول می شود. در سال ۱۱۴۹ هـ ق همراه پدرش به تبریز رفته به دیوان ابراهیم خان ظهیر الدوله می پیوندد ولی زود از دستگاه دیوانی او کنار می کشد، از سال ۱۱۶۰ هـ ق شروع به نوشتن عالم آرا کرده، در سال ۱۱۶۶ هـ ق به پایان می رساند در نقد کتابش باید گفت که وی خودش مردی ساده دل و از افراد عادی زمان خود بوده که کتابش را در خلوت خود و برای دل خود نگاشته، بدین خاطر کتاب خود را به زبان ساده و محاوره ی عصر خود نوشته که چندان فرقی با زبان گفتگوی عصر ما ندارد. قسمت عمده ی کتاب خاطرات و مشهودات خود مؤلف یا روایات از شاهدان عینی حادثه ها است که سلسله حوادث عصر نادری را به صورت مفصل ذکر کرده و چون در تبریز زندگی کرده گزارش مفصلی از حوادث آذربایجان و آران دوران نادری را آورده ولی باید گفت که در بعضی موارد لحن وی مبالغه آمیز است که با قصه پردازی تناسب بیشتری دارد تا با تاریخ نویسی، ولی به هر حال از این جهت که منابع و اطلاعات دست اول از زمان خود به خواننده گان عرضه می کند دارای اهمیت شایان توجهی است.

۲- جهانگشای نادری

میرزا مهدی خان که بنا بر قول خود در جهانگشای نادری نام کاملش محمد مهدی، نام پدرش هم محمد نصیر استرآبادی است. وی از مشاوران و منشیان مخصوص نادر و در بیشتر سفرها همراه وی بوده. نوشته هایی چون دره نادری ، سنگلاخ، مبانی اللغه، منشآت و

جهانگشای نادری به نام خود ثبت کرده است. جهانگشا را پس از اینکه نادر وفات نموده و وی گوشه نشینی اختیار کرده به رشته تحریر در آورده است. این کتاب وقایع اواخر سلطنت شاه سلطان حسین تا یکسال پس از وفات نادر را در بر می گیرد و در یک جلد قطور توسط سید عبدالله انوار تصحیح و به چاپ رسیده است. مضمون کتاب دارای کلمات سخت ادبی فراوانی است و برای کسی که می خواهد مطالبی از آن درک کند باید از ادبیات نیز سر رشته ای داشته باشد از محاسن کتاب این است که مطالبی در آن یافت می شود که در کتاب عالم آرای نادری کمتر به آن پرداخته شده است و این از آن رو است که وی چون منشی نادر بوده پس می توانسته برخلاف عالم آرای نادری مطالب دست اول زیادی در کتابش بگنجاند. در عین حال نباید این را از نظر دور داشت که وی به دلیل درباری بودن در بعضی مواقع رعایت سرور خود (نادر) را کرده و در کل درباره ی آذربایجان و امرای آن مطالب مهمی در کتابش گنجانده است.

۳- مجمل التواریخ (گلستانه)

نام مولف همچنانکه خود آورده ابوالحسن و نام پدرش محمد امین که از سادات گلستانه ی اصفهان می باشند. تاریخ تالیف این کتاب قبل از سال ۱۱۹۶ هـ ق می باشد. مولف در این کتاب در بخش نخست بصورت خلاصه اوضاع پادشاهی دوران سلطنت سلطان حسین صفوی و درباریان وی و فتنه ی افغانها را آورده و جزئیات وقایع از وفات نادر تا دوره ی کریم خان یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره زندیه را شامل می شود که توسط مدرس رضوی در سال ۱۳۴۴ هـ.ش تصحیح شده است. مولف خودش بیشتر وقایع را شاهد بوده یا مطالبی را که در کتابش آورده شامل شنیده ها یا نامه هایی است که مردم برای وی نقل کرده بودند و در لابلای کتاب می توان درباره ی اوضاع آذربایجان، آزاد خان و روابط ایشان با عثمانیها در بغداد مطالب جالب

و دست اولی پیدا کرد. ولی با این حال مطالبی هم در آن هست که بیشتر به افسانه و حکایت شبیه است.

۴- تاریخ قراباغ

نویسنده ی این کتاب میرزا جمال جوانشیر می باشد. وی در سال ۱۱۸۷ هـ ق در روستای خوجالو در ناحیه ی دیزاک در جوانشیر متولد شده، نام پدرش محمد خان بیگ می باشد. به زبانهای روسی، فارسی، ترکی و تا حدودی عربی مسلط بوده. این کتاب در سال ۱۲۶۳ هـ ق/ ۱۸۴۷ میلادی نگاشته شده که شامل جغرافیای قراباغ و روند تاریخی آن، اجداد مولف و زندگینامه های ایشان و بخش اصلی کتاب درباره خان نشین قراباغ یعنی حکومت پناه خان و ابراهیم خان جوانشیر تا عهد نامه ی ترکمن چای می باشد. عامل اصلی نوشتن این کتاب (و رونتسف روسی) بوده که سیاست وی چون جمع آوری اطلاعات افراد محلی و گماشتن حاکمان بومی برای اداره قفقاز بود در راستای همین سیاست در سال ۱۲۶۳ هـ ق با فرستادن شاه امیر خان بیگروف به شوشی از میرزا جمال تقاضای نوشتن تاریخی درباره ی قراباغ کرد و ظاهراً جهت ترغیب میرزا جمال سریعاً حقوق بازنشستگی اش را از سوی دولت روسیه برقرار می کند. وی به دلیل تعلق خاطر به خوانین جوانشیر از پناه خان و ابراهیم خان تا جایی که با روسیه تصادم پیدا نمی کرد، به شدت دفاع می نمود و شکست های ایشان را کم رنگ جلوه می داد، با تقاضای ورنتسف، وی با اضافه کردن مطالبی در بخش مقدماتی و پایانی و بعضی از فصول که منافع روسها را به نوعی تامین می کرد و احتمالاً حذف بعضی از مطالب همچون چگونگی قتل ابراهیم خان، سعی در کسب رضایت بیشتر مقامات روسی داشته وی همچنین در تطبیق سالهای قمری با میلادی دچار مشکل بود. مثلاً نادر که در سال ۱۱۶۰ هـ ق به قتل رسیده را با سال ۱۷۴۳ م برابر دانسته که در واقع سال ۱۷۴۷ م صحیح است. علاوه بر این در کتاب، اصطلاحات روسی و ترکی را نیز آمیخته و در کل چون اوضاع دوره خان نشینی

قرباغ را در ارتباط با عثمانیها به خوبی آورده برای پایان نامه از اهمیت خاصی برخوردار می باشد.

۵- تاریخ و جغرافیای دار السلطنه تبریز

نویسنده ی این کتاب نادر میرزا فرزند بدیع الزمان می باشد که از شاهزادگان دانشمند و فرزانه ی دودمان قاجاریه بود. در سال ۱۲۴۳ هـ ق در گرگان متولد شد و در تبریز از معلمان چندی به آموختن دانش پرداخت؛ در سن بیست سالگی در خدمت مظفر الدین میرزای ولیعهد به امور مختلف مالی از قبیل وصول حقوق دیوانی و تنظیم دفاتر و نظارت بر خالصجات مشغول بود و در سال ۱۳۰۲ هـ ق در تبریز وفات می کند. همانطور که از کتابش معلوم است درباره تبریز تاریخی نگاشته که شامل تاریخ دوران اسلامی و چگونگی بنای تبریز و مکانهای عمومی، رودخانه ها، قنات ها و غیره می باشد و تا عصر خودش یعنی خروج و طغیان شیخ عبیدالله مطالبش را ادامه می دهد. در فصولی نیز دنبلیهای خوی و حمله ی عثمانیها به تبریز را ذکر کرده است. در این کتاب از منابع مختلفی چون سفر نامه های اروپائیان و منابعی چون کتاب میرزا محمد حسن منشی اشتهاردی درباره دنبلیهای خوی بهره جسته است که توسط غلام رضا طباطبائی مجد در سال ۱۳۷۳ هـ ش به تصحیح در آمده است. سبک نگارش نویسنده در این کتاب، فارسی خالص است که بصورت ساده برای همگان قابل فهم می باشد و از این نظر برای پایان نامه نگارنده مفید می باشد که دنبلیها و هجوم عثمانیان به تبریز را خیلی مفید و مفصل ذکر کرده است.

۶- گلستان ارم

کتاب گلستان ارم اثر عباسقلی آقا باکیخانوف قدسی در بین آثاری که راجع به تاریخ آذربایجان نوشته شده مقام برجسته ای احراز می کند. این اثر تاریخ مردمان شیروان و داغستان را از ادوار باستان تا دوره ی حیات مولف یعنی اوایل قرن نوزدهم (م) در بر می گیرد و در آن از

آثار مورخان، جهانگردان و جغرافیادانان روم، بیزانس، ارمنی مدارک گرانبهایی جمع آوری کرده است. در کتابش علاوه بر تاریخ این مناطق آثار مادی، بقایای شهرها و قلاع ویران شده را از نظر گذرانیده، آن را به ۵ بخش تقسیم کرده که به ترتیب زیر می باشد: ۱- جغرافیای منطقه شیروان و داغستان ۲- تصرف شیروان و داغستان توسط عرب ها تا دوران مغول ۳- از دوران مغول تا پیدایش صفویان و دوره ی فرمانروایی سلسله ی شیرانشاهان ۴- از صفویان تا درگذشت نادرشاه ۵- از درگذشت نادر تا عهد نامه گلستان. در خاتمه راجع به فضلا و علمای برجسته شیروان و نواحی همجوار نیز مطالبی آورده است. این اثر در سال ۱۳۸۳ هـ ش توسط عبدالکریم علی زاده ویراستاری شده است و باید گفت که خود کتاب مولف به فارسی می باشد، و چون در بخش های چهارم و پنجم درباره ی موضوع تحقیق نگارنده مطالب ارزنده و جالب توجهی آورده از جمله روابط امرای شیروان و داغستان با عثمانیها، قابل استناد و رجوع می باشد.

۷- تجربه الاحرار و تسلیه الابرار:

این کتاب به قلم عبدالرزاق دنبلی نوشته شده است. وی متولد ۱۱۶۷ هـ ق در شهر خوی می باشد و در سال ۱۲۴۲ هـ ق در تبریز وفات می یابد. بیشتر به شاعری و نویسندگی مشهور است. کتاب های زیادی در شعر و ادبیات از خود به یادگار گذاشته است. کتاب تجربه الاحرار در دو جلد می باشد که در سال ۱۳۴۹ ش توسط حسن قاضی طباطبائی از اساتید دانشگاه تبریز تصحیح گردیده است. بیشتر این کتاب درباره ادبیات هست که تراجم احوال جمعی از علما و فقها و شعرای زمان زندیه را در خود دارد و در بخشی از کتاب می توان اوضاع تاریخی دوره های اواخر افشار و زندیه را در آن مشاهده کرد و چون بیشتر طول عمر ایشان در آذربایجان و موطن اصلی خود گذشته پس در گوشه و کنار کتاب مطالب ارزنده ای از اوضاع

آذربایجان آن زمان دیده می شود ولی باید خاطر نشان کرد که متن کتاب خیلی سخت و ادبی نگاشته شده است و در فهم آن باید مراجعه کننده از نظر ادبیات غنی باشد.

ب) منابع تحقیقی

۱- قفقاز و سیاست امپراطوری عثمانی

این کتاب توسط جمال گوگچه نگاشته شده است. وی در سال ۱۹۳۳ م در شهر ترجان وابسته به ایالت ارزنجان ترکیه به دنیا آمده است و دارای دکترای تاریخ معاصر از دانشگاه استانبول می باشد. این تالیف توسط وهاب ولی در سال ۱۳۷۳ هـ ش ترجمه شده است. همانطور که از نامش پیداست مربوط به قفقاز و سیاست امپراطوری عثمانی در آن منطقه می باشد که در فصل های اول نگاهی کلی به قفقاز و تاریخ آن می کند، در فصلهای دیگر اوضاع قفقاز و سیاست های روسیه و عثمانی راجع به قفقاز و چگونگی حضور آنان در آن مناطق و درگیری روسیه و عثمانی در کریمه تا سالهای ۱۸۲۹ م و حضور مستقیم روسیه در قفقاز را بررسی می کند. مولف موضوع را از جنبه های اقتصادی - اجتماعی و اجتماعی - سیاسی بررسی و در آن سیاست دولتها و قدرتهای وقت و اهداف سیاسی آنها را باهم مقایسه کرده است. نیز علل توجه عثمانیها به منطقه را توضیح می دهد. این اثر علاوه بر منابع اصلی بیشتر متکی بر اسناد موجود در آرشیوهای ترکیه می باشد، مانند خط همایون که جودت عسکریه وجودت خارجیہ تدوینش کرده اند که از آنها بهره برداری کرده است و تنها به ذکر حوادث بسنده نکرده بلکه علاوه بر استفاده از منابع مذکور عقاید و نظریات و تحلیلهای خود را در آن گنجانده است، که به لحاظ استفاده از اسناد و آرشیوهای دولتی ترکیه در ارتباط با موضوع پایان نامه مطالب دست اول و مهمی در اختیار نگارنده پایان نامه گذاشت.

۲- انقراض سلسله ی صفویه

توسط لارنس لاکهارت تالیف شده و اسماعیل دولتشاهی آن را در سال ۱۳۴۴ هـ ش ترجمه نموده است؛ به نوشته ی خودش در سال ۱۸۹۰ م متولد شده، در مدرسه چارترهاوس و کالج پمبروک و کمبریج تحصیل کرده، مدتی دانش آموز ادوارد بروان بوده، مدتی هم در شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران کار کرده و گذشته از کتاب مذکور و شرح حال نادر شاه دو کتاب درباره شهرهای ایران و مقالات بسیاری نیز نوشته و دارای دکترای فلسفه و ادبیات از دانشگاه های انگلیس است. وی مطالب این کتاب را در ضمن نگارش کتاب شرح حال نادر شاه جمع آوری کرده بود، و در آن از منابع شرقی و غربی و مخصوصاً منابع روسی استفاده کرده است، که شامل اواخر صفویه تا آمدن نادر شاه به صحنه ی قدرت و روابط ایران با کشورهای دیگر در این برهه ی زمانی می باشد و چون به بایگانی دولتی فرانسه دسترسی داشته مطالب ارزنده ای مخصوصاً درباره شمال غرب ایران و نحوه برخورد دربار صفوی با قفقاز و آذربایجان و علل حمله ی عثمانی به ایران آورده است که شاید بدون اغراق در نوع خود مطالب جدید و دست اولی ارائه می کند.

۳- تاریخ خوی

محمد امین ریاحی در سال ۱۳۷۲ این کتاب را به چاپ رسانده است که شامل تاریخ خوی و اطراف آن تا عصر حاضر از جنبه های مختلف معماری، تاریخی و جغرافیایی می باشد، در فصولی از آن به دنبلی های خوی نیز پرداخته شده است که آنها را از اصل و نسب تا اوایل حکومت قاجار که توسط دولت مرکزی به حکومت ایشان در خوی پایان داده می شود، مورد بررسی قرار داده است. در آن به خوبی و مستند روابط و نقش حاکمان آن را در ارتباط با عثمانیها بیان می دارد. در این کتاب از منابع مهم دست اول و نیز اسنادی از آرشیوهای دولتی

ترکیه استفاده کرده است که بر اهمیت کتاب می افزاید. نگارنده ی این پایان نامه توانست از بخش مربوط به دنبلیها مطالب جالبی پیدا کند.

۴- مطالعاتی درباره ی تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان

فیروز منصوری این کتاب را در سال ۱۳۷۹ هـ.ش توسط موسسه ی مطالعات تاریخ معاصر ایران به چاپ رسانده است. که مجموعاً در چهل و سه فصل می باشد و آذربایجان را از قرون اولیه ی اسلامی تا عصر حاضر از جنبه های مختلف سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و زبانی بررسی کرده است. فصلهای دوازده تا شانزدهم آن درباره ی شاهسونها و اوضاع قراداغ، اردبیل، مشگین و جنگهایی که مقارن سقوط صفویان با عثمانیها هنگام اشغال سرزمینشان انجام داده اند مطالب مهمی آورده است. در این بخش ها از منابع ترکی مانند تاریخ پچوی، تاریخ یغما، سیاحت نامه ی اولیاء چلبی و سفرنامه آدام الثاریوس و دیگر منابع فارسی معتبر استفاده شده است که از این نظر مطالبی خوبی در آن یافت می شود.

۵- سرزمین زردشت

سرزمین زردشت شامل اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، اداری و تاریخی ارومیه و اطراف آن از ابتدا تا زمان نویسنده می باشد. که در یک جلد قطور بیش از هزار صفحه ای در سال ۱۳۴۸ توسط علی دهقان به چاپ رسیده است. وی کتابش چون ادوار کامل تاریخی این منطقه می باشد، هرچند بصورت خلاصه دوره های تاریخی را آورده ولی به جهت اینکه نگارنده ی پایاننامه نتوانست تاریخ افشار میرزا رشید را پیدا کند، لذا چون مولف سرزمین زردشت از این کتاب و منابع دست اول مهمی چون عالم آرای عباسی، تاریخ تبریز مینور سکی و چند مورد دیگر استفاده کرده، توانسته مطالب جالب توجهی از اوضاع مربوط به دوره مورد بحث، در کتابش بیاورد. از این مطالب هم نگارنده ی پایان نامه توانست تحلیل های جالبی بدست آورد.

۶- آذربایجان در مسیر تاریخ ایران

در دو جلد، آذربایجان را از باستان تا عصر حاضر توضیح می دهد که توسط ابراهیم فائقی در سال ۷۵ به چاپ رسیده است. با توجه به اینکه شمول این کتاب درباره ی آذربایجان می باشد بدین لحاظ از دوره ی صفویه، افشاریه، زندیه مطالب مفیدی در لابه لای کتاب دیده می شود و نگارنده ی پایان نامه توانست از این دوره ها در رابطه با عثمانی و امرای این منطقه بحث های خوبی پیدا کرده پس از تجزیه و تحلیل به رشته ی تحریر در بیاورد. از نکات مثبت این کتاب می توان چنین بیان کرد که: وی توانسته منابع مهم و زیادی در نگارش این کتاب مطالعه کند در عین حال چون کتاب از باستان تا عصر حاضر را شامل می شود به ناچار مطالب به صورت خلاصه آورده شده است.

۷- سازمان اداری حکومت صفوی (تحقیقات و حواشی و تعلیقات)

این اثر نفیس و گرانقدر حاصل زحمات خاورشناس پرفسور مینورسکی است که توسط مسعود رجب نیا در سال ۱۳۳۴ ترجمه و منتشر شده است. این کتاب بنیانهای اجتماعی و اقتصادی حکومت صفوی مانند شاه و طبقه حاکمه، میانان، کارگران، ممالک و خاصه و بیگلر بیگی ها و چگونگی اداره ایالات را توضیح داده است، و نگارنده ی پایان نامه توانست از این کتاب درباره چگونگی تقسیم ایالات ایران مخصوصاً شمال غرب کشور (آذربایجان) و قفقاز به بیگلر بیگی، والی گری و چگونگی گرفتن مالیات، امور قضایی و نحوه ی سازمان ارتش در این مناطق مطالب ارزنده ای بدست آورد.

بخش اول:

بررسی اجمالی نقش
امرای آذربایجان در
روابط ایران و عثمانی
(قرون ۱۰ و ۱۱)